«کلر ژوبرت» نویسنده فرانسوی مسلمان‌شده:

آموزه‌های دینی را با عطر و طعم لذت‌بخش قصه به کودکان عرضه کنیم

در پاریس متولد و در یک خانواده مسیحی بزرگ شد. مادرش پزشک و پدرش نقاش و کنده‌کار بود. از بچگی به کتاب خواندن علاقه داشت و شاید همین عشق به مطالعه باعث شد نوشته‌های دکتر علی شریعتی روی او تأثیر بگذارد و با علاقه به امیرالمؤمنین(ع) و با تحقیق و مطالعه دین شیعه را برگزیند. در ۱۹سالگی دین اسلام را انتخاب و بعد از ازدواج با یک ایرانی به ایران نقل‌مکان کرد. مهارت خاصی در توصیف حقایق زندگی به زبان کودکان دارد. در کتاب‌هایش دنیا را به خوبی ترسیم و اتفاقات تلخ و شیرین زندگی را به زبان ساده و روان برای کودکان بیان می‌کند. او تنها نویسنده خارجی حوزه کودک و نوجوان است که به زبان فارسی تسلط دارد و برای مخاطب این سن قلم می‌زند. ناصر نادری، نویسنده و منتقد ادبی معتقد است: «خانم ژوبرت چهره برجسته و منحصربه‌فرد ادبیات کودک است و در حوزه ادبیات دینی کمتر نویسنده‌ای همسطح خانم ژوبرت داریم و او بسیار خوب خیال کودک را می‌فهمد و می‌تواند ذهن او را پرورش دهد.» شیوه نگارش کلر ژوبرت به این ترتیب است که نکات دینی از زبان اشیا یا درختان و حیوانات در قالب یک داستان نقل می‌شود و این ادبیات تخیلی با ذهن کودکان که خود خیال‌پرداز هستند، همخوانی دارد و لذت خوانش را برای کودک به ارمغان می‌آورد. خانم ژوبرت با تصویر لذت‌بخشی که از دین به کودک ارائه می‌کند در این زمینه موفق بوده است، به طوری که کودک با خوانش کتاب‌های این نویسنده تصویری دوست‌داشتنی نسبت به دین پیدا می‌کند و جزو تجربه‌های شیرین زندگی او و حتی ترغیبش به خوانش سایر کتاب‌ها می‌شود. وی معتقد است مفاهیم و ارزش‌های دینی را باید با عطر و طعم لذت‌بخش قصه به کودکان عرضه کنیم. کلر ژوبرت لیسانس علوم تربیتی و فوق لیسانس ادبیات کودکان دارد و در حال حاضر در ایران زندگی می‌کند. قبلاً اسم او را در فضای مجازی شنیده بودم اما روز کودک و گفت‌وگو با یک نویسنده در این حوزه بهانه‌ای شد تا با او تماس بگیرم. خوش برخورد، مهربان و در دسترس و پاسخگو بود. متن گفت‌وگوی «جوان» با خانم ژوبرت را به مناسبت روز جهانی کودک می‌خوانید.

■■■

نقش قصه، داستان و به صورت کلی کتاب و شعر در شکل‌گیری شخصیت کودک چیست؟

یکی از حُسن‌های بزرگ کتاب داستان این است که دنیای کودک را وسیع‌تر می‌کند، دید گسترده‌تری نسبت به مسائل مختلف به او می‌دهد و با طرز تفکر و طرز زیستن گوناگون آشنایش می‌کند. از بعضی لحاظ تلویزیون و فضای مجازی کاربرد مشابهی دارند، اما کتاب ذهن کودک را خیلی بیشتر و عمیق‌تر درگیر می‌کند. از طرف دیگر کتاب و داستان می‌تواند قوه تخیل کودک و همچنین قدرت تفکر منطقی، خلاق و انتقادی او را تقویت کند. با خواندن یا شنیدن بعضی داستان‌ها، بچه‌ها متوجه می‌شوند مشکلات راه‌حل‌های مختلفی دارند. آنان از طریق کتاب تجربیات غیرمستقیم و بی‌خطر کسب می‌کنند و از طریق اتفاقات یک داستان می‌توانند نتیجه یک رفتار یا یک تصمیم‌گیری را به راحتی تحلیل کنند. راجع به نقش کتاب و داستان در شکل‌گیری شخصیت کودک می‌شود به خیلی جنبه‌های دیگر اشاره کرد، مانند تقویت دقت و قدرت تمرکز یا گسترش دایره واژگان‌شان، اما به گمانم یکی از مهم‌ترین این فایده‌ها تقویت قدرت همدلی کودک از طریق مواجهه با مشکلات شخصیت‌های داستانی است.

والدین چگونه می‌توانند از طریق کتاب در مسیر توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی کودک خود گام بردارند؟

شاید بهترین توصیه‌ای که بشود در این زمینه به والدین کرد این است که فرصت‌های مطالعه روزانه، حتی در حد چند دقیقه، با کودکان‌شان ایجاد کنند، به این صورت که کتابی را باهم بخوانند و بعد در موردش گفت‌وگو کنند. بچه‌ها معمولاً این لحظات را خیلی دوست دارند، البته خیلی مهم است که کتاب مناسبی انتخاب شود و برای این کار می‌توان از کتابداران، مروجان مطالعه یا سایت‌های معتبر معرفی کتاب کودک کمک گرفت.

آیا والدین می‌توانند از طریق کتاب ارزش‌ها و مفاهیم دینی را به صورت صحیح به کودک خود منتقل کنند؟

کتاب ابزار خیلی خوبی برای ملموس کردن یک ارزش اخلاقی یا یک مفهوم دینی است و خواندن چنین کتابی بهانه خوبی فراهم می‌کند برای باز کردن باب گفت‌وگو، اما خیلی مهم است که آن کتاب داستان جذابی داشته باشد و حاوی مستقیم‌گویی یا نصیحت نباشد تا بچه‌ها را دلزده نکند.

فرزندان ایرانیم

حسین گل‌محمدی

دوست داریم فرزندمان از همان سال‌های کودکی، از همان دوران پیش‌دبستان با زبان انگلیسی آشنا شود و بالحنی که دل خاله و عمه، دایی و عمو، دوست و فامیل را می‌برد hello و thankyou بگوید؟! دوست داریم به همه بگوییم که فسقلی ما در سن چهار سالگی دل و روده تلفن همراه را بیرون می‌ریزد و همه بازی‌های موبایلی را فوت آب است؟! از اینکه هنوز دست چپ و راست خود را نمی‌شناسد، اما پای شبکه‌های ماهواره‌ای نشسته و اسم سلبریتی‌های دنیای ورزش و سینما را از حفظ است، احساس غرور و افتخار می‌کنیم و... اینکه نگران عقب‌نماندن فرزندان‌مان از فناوری‌ها و تحولات روز دنیا باشیم، اینکه فرزندان‌مان را از سنین خردسالی روز آمد بار بیاوریم بد که نیست هیچ، بلکه خیلی هم خوب و لازم است، اما فراموش نکنیم دانستنی‌های ریز و درشت جهان امروز که خیلی از آنها هیچ آورده‌ای برای‌مان ندارد، در صورت نداشتن هویت و اصالت ملی و بومی، ما را وارد ورطه و گردابی می‌کند که نهایتش غرق شدن است، حتی آنانی که داعیه‌دار تکنولوژی هستند نیز دغدغه هویت فرزندان خود را دارند. ۱۶مهر، روز کودک در ایران، فرصت ارزنده‌ای است برای اندیشیدن به یک پرسش مهم: آیا کودک من باید جهانی شود؟... پاسخ این است که بله، فرزندان ما باید جهانی شوند، اما نه به معنای جهان‌زدگی که همان نسخه همیشگی سوداگران جهانی‌شدن برای ابنای بشر است! کودک امروز ما باید به گونه‌ای تربیت شود که به عنوان یک ایرانی مسلمان ناب و باهویت بتواند توانمندی و اصالت خود را به جهانیان ثابت کند، درست همان گونه که نسل‌های پیش از او توانستند در عرصه‌های مختلف این کار بکنند. پس روز ملی کودک مجال خوبی است این عبارت کوتاه و سرشار از معنا و هدف را برای کودکان خود تبیین کنیم که: فرزندان ایرانیم...

دکتر فاطمه قاسم‌زاده، روانشناس و پژوهشگر حوزه کودکان:

قاطعانه اما محترمانه با کودک خود رفتار کنیم

رفتار درست با کودک، قاطعانه، توأم با محبت و مهربانی است، به طور مثال والدین برای کنترل کودک در استفاده از تلفن همراه یا بازی با گوشی وارد فضای گفت‌وگو و توضیح می‌شوند

همه ما این روزها زیاد می‌شنویم که در بین اطرافیان فردی با مشکلات روحی دست و پنجه نرم می‌کرده و بعد از مراجعه به پزشک و روانشناس متوجه می‌شود تأثیرات تربیتی غلط در کودکی باعث شده است در بزرگسالی با اختلالات روحی جدی مواجه شود. خانواده اولین و مهم‌ترین بستر تربیتی است که کودک در آن رشد می‌کند و کوچک‌ترین برخورد غلطی می‌تواند در بزرگسالی اثرگذاری منفی داشته باشد. در واقع این خانواده است که در همان کودکی انواع مهارت‌ها را از طریق رفتارهای درست به فرزند منتقل می‌کند، از مهارت گفت‌وگو گرفته تا مسئولیت‌پذیری و کنترل خشم، همه و همه در بستر خانواده و از طریق والدین شکل می‌گیرد. مقایسه کودکان، طرد کردن آنها، تحقیر و استفاده از تنبیه‌های نادرست، آسیب‌رسان‌های جدی به رابطه والد و کودک است که برای کنترل آن و جلوگیری از آسیب‌های روانی در کودکان، همدلی و همیاری والدین در کنار یکدیگر را می‌طلبد.

فاطمه قاسم‌زاده، روانشناس و پژوهشگر حوزه کودکان در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: به لحاظ روانشناسی پدر و مادر دو ستون برای تربیت بچه در خانواده هستند و نباید اینگونه باشد که مادر صرفاً در منزل درگیر تربیت بچه شود و پدر از تربیت خود را دور بداند. افزون بر این همسویی و همنگری والدین در این زمینه، از سوءاستفاده فرزندان در بزرگسالی جلوگیری می‌کند.

وی یکی از مشکلات امروزی را تفاوت نظریه پدر و مادر در روش تربیتی می‌داند و در توضیح آن بیان می‌کند: طبق تحقیقات صورت گرفته حتی بدترین روش تربیتی که با همسویی پدر و مادر پیاده شود، اثرگذارتر از بهترین روشی است که همسویی والدین را پشت سر نداشته باشد.

عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان می‌گوید: در واقع یکی از اصول تربیتی صحیح این است که والدین در مورد اصول تربیتی فرزندان توافق کنند و تصمیم‌گیرنده نهایی نباید صرفاً یکی از والدین باشد.

این روانشناس، کودکی را در دیدگاه روانشناسی به سه دوره کودکی اول، دوم و سوم تقسیم می‌کند که به ترتیب یک تا هفت سال، هفت تا ۱۱سال و در نهایت ۱۱ تا ۱۸سالگی تقسیم می‌شود.

به اعتقاد وی حتی دوره نوجوانی هم کودکی سوم محسوب می‌شود که نیازمند اصول تربیتی مشخص است.

دکتر قاسم‌زاده در رابطه با اثر روش‌های تربیتی والدین بر کودکان که در بزرگسالی بروز و ظهور می‌یابد نیز به «جوان» می‌گوید: علت بی‌توجهی والدین به فرزندان در خانواده‌های مختلف فرق دارد. ما خانواده‌های مرفهی داریم که جشن‌های تولد فرزند خود را در مهد کودک برگزار می‌کنند و پرستار بچه را برای تولد می‌فرستند. برخی مادران به جای پرداختن به فرزندان‌شان، غرق در خود هستند. همچنین با خانواده‌هایی مواجه هستیم که به دلیل تنگناهای اقتصادی مادر و پدر شیفت‌های مختلف کار می‌کنند و فرصت رسیدگی به فرزندان را ندارند، البته وی مخالف برخی برنامه‌های روزانه برای والدین از قبیل دیدارهای دوستانه و باشگاه ورزشی و آرایشگاه نیست، اما آنچه در نگاه این روانشناس کودک قابل اهمیت به نظر می‌رسد افراط در انجام برخی امورات شخصی است که منجر به فاصله گرفتن والدین به خصوص مادران از کودک می‌شود.

دکتر قاسم‌زاده سه نوع رفتار را در برخورد والدین با کودک مطرح و بیان می‌کند: برخی والدین رفتارهای منفعلانه‌ای در قبال کودک خود دارند، مثل مادران یا والدینی که به دلایل مختلف بیش از اندازه درگیر امورات شخصی خود هستند و به فرزند اهمیت نمی‌دهند. همچنین دسته دوم والدینی هستند که به صورت خشونت‌آمیز با کودک خود صحبت می‌کنند و هنوز هم هستند کسانی که برای تذکر به بچه‌ها صدای خود را بالا می‌برند و برای بیان علت و توضیح تلاش نمی‌کنند.

وی رفتار سوم را «رفتار قاطعانه» ذکر می‌کند و در توضیح آن می‌گوید: رفتار درست با کودک، قاطعانه باید باشد که توأم با محبت و مهربانی و قاطع بودن است، به طور مثال والدین برای کنترل کودک برای استفاده از تلفن همراه یا بازی با گوشی وارد فضای گفت‌وگو و توضیح می‌شوند.

به اعتقاد این پژوهشگر و برنامه‌ریز امور آموزشی و روان‌شناسی کودکان و نوجوانان، «رفتار قاطعانه» والدین، جدیت، توضیح و قانع کردن را به دنبال دارد. همچنین محبت و مهربانی باعث بیان توضیح درباره مسئله می‌شود، در نتیجه والدینی که رفتار قاطعانه دارند، در تربیت فرزندان خود موفق‌تر هستند و فرزندان متعادل‌تری خواهند داشت، چراکه والدین راهنما محسوب می‌شوند و این راهنمایی موجب آگاهی فرزندان می‌شود.

وی ضمن نقد سیستم آموزشی در خصوص مهارت‌آموزی والدین برای تربیت فرزند می‌گوید: ما ادعا زیاد داریم اما در بعد آموزش ضعیف هستیم، در حالی که در اکثر کشورهای دنیا سیستم آموزشی نسل‌های مختلف را برای تربیت فرزند در سال‌های آتی آماده می‌سازد.

دکتر قاسم‌زاده می‌افزاید: در مدارس ما صرفاً مشکلات تحصیلی برطرف می‌شود و در سیستم آموزشی ما جایی برای آموزش والدین در تربیت فرزند وجود ندارد.

وی نقل به مضمون از یک کتاب می‌گوید: پدر و مادر خوب بودن، آموختنی است، به این معنی که ذاتاً ما توانمندی برای پدر و مادر خوب بودن نداریم بلکه باید پدر و مادر خوب بودن را آموزش ببینیم و روش‌های مختلف را از طریق کلاس آموزشی یا مدارس یاد بگیریم.

به اعتقاد این فعال حوزه کودکان، خلأ آموزشی در تربیت کودک باعث می‌شود والدین از روش‌های غلط و نادرست برای تربیت کودک استفاده کنند که این لطمه بیشتری وارد می‌کند.

حجت‌الاسلام علی فاطمی‌پور، دکترای فقه تربیت:

مسیر را درست نشان دهیم بعد بگوییم فرزندم انتخاب کن!

به جای اینکه ما مسیر حرکت را برای بچه‌ها انتخاب و اجبار کنیم، باید راه درست را نشان بدهیم. فرزندان ما باید با منطق فکر کنند و خود بتوانند راه را تشخیص دهند. در کنار تقویت قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل، باید کمک کنیم شخصیت آنها نیز رشد کند و زود تحت تأثیر جو اجتماع و محیط پیرامونی قرار نگیرند

■ **محبوبه قربانی**

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم تا شخص بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش پرورش دهد و به سوی هدف و کمال مطلوب، حرکت کند. طبق روایات، تربیت از وظایف مهم والدین و در هر جامعه‌ای وابسته به بینش‌ها و نگرش‌های آن جامعه است، بنابراین در جامعه دینی، تربیت دینی مورد توجه جدی است. تربیت دینی، بهترین و کامل‌ترین نوع تربیتی است که با آموزش صحیح و پایبندی به آن انسان را از همه زشتی‌ها دور می‌کند. لازمه این تربیت تنها قرار دادن مشتی اطلاعات دینی در اختیار فرزندان یا اجبار به انجام واجبات و تکالیف دینی نیست بلکه می‌طلبد والدین و مربیان به عنوان اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین افراد بر تربیت دینی کودکان، روش صحیح را بیاموزند و با آموزه‌های صحیح آنان را در مسیر درست قرار دهند. حجت‌الاسلام علی فاطمی‌پور، دکترای فقه تربیت جامعه‌المصطفی العالمیه معتقد است بهترین روش برای تأثیرگذاری و ماندگاری این نوع تربیت ایجاد عطش و تشنگی به دین است نه اجبار و زور. در این صورت شوق و اشتیاق به دین با بالارفتن سن رنگ نمی‌بازد بلکه بیشتر و بیشتر می‌شود. گفت‌وگوی «جوان» با این کارشناس مذهبی را پیش رو دارید.

■■■

تربیت دینی چیست و بهترین سن برای شروع این تربیت چه سنی است؟

تربیت دینی به معنای شکوفاسازی استعدادها و تأمین نیازهاست؛ تربیتی مستند به دین و برگرفته از وحی. تربیت دینی یعنی بذرهایی که در وجود فرزندان بکاریم تا بچه‌ها بعد از رسیدن به بلوغ فکری، مشتاق و علاقه‌مند به دین شوند و به سمت عبودیت خداوند بروند. تربیت دینی، روی شکل‌گیری عقلانیت انسان‌ها بسیار تأکید دارد و اساس دین هم بر پایه عقل است، بنابراین دوران شکل‌گیری بلوغ عقلانی، زمانی حساس و نقطه عطف تحول انسان است. اگرچه بهترین سن برای شروع تربیت دینی، دوران کودکی است اما اصل تربیت با شکل‌گیری عقلانیت انسان آغاز می‌شود و قبل از شکل‌گیری عقلانیت، دوران آماده‌سازی و مقدمه محسوب می‌شود. شکل‌گیری درست عقلانیت موجب می‌شود فرزند ما از سطح غریزه‌ها بالاتر رود، توحید را انتخاب و بر اساس وظایف دینی زندگی کند.

اولین قدم برای شروع این تربیت چیست؟

به جای اینکه ما مسیر حرکت را برای بچه‌ها انتخاب و اجبار کنیم، باید راه درست را نشان بدهیم. فرزندان ما باید با منطق فکر کنند و خود بتوانند راه را تشخیص دهند. در کنار تقویت قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل، باید کمک کنیم شخصیت آنها نیز رشد کند و زود تحت تأثیر جو اجتماع و محیط پیرامونی قرار نگیرند. به عبارتی وقتی تفکر شکل گرفت، قدرت تجزیه و تحلیل هم پیدا می‌شود. بعد از شکل‌گیری تفکر، قدرت سنجش و مقایسه نیز فعال می‌شود و بهترطلبی انسان، سراغ بهترین گزینه را می‌گیرد. یادمان نرود اگر از تربیت دینی حرف می‌زنیم، تربیتی بر اساس عقلانیت است، چراکه ملاک پذیرش اعمال و ایجاد سایر خصلت‌های خوب، ایجاد عقلانیت در انسان‌هاست.

چه عواملی بر اثرگذاری این نوع تربیت مؤثر است؟

عوامل متعددی مثل والدین، مربیان، آموزش، کانون‌های فرهنگی و مساجد، رسانه، تغذیه و وراثت تأثیرگذار است که از بین آنها والدین و مربیان مدرسه بیشترین تأثیر را دارند اما عقلانیت عامل مدیریت همه اینهاست. اگر عقلانیت بالا برود و سنجیده و با ارزیابی تصمیم گرفته شود، ابتدا مسیر دیده و بعد از آن انتخاب می‌شود، به اصطلاح می‌گوییم ببین و برو. با شکل‌گیری عقلانیت، فرزند ما می‌تواند همه این عوامل را در جهت صحیح مدیریت کند و سنجیده‌ترین تصمیم را بگیرد، بنابراین باید بر پرورش و رشد عقلانیت فرزندان‌مان تمرکز داشته باشیم.

معمولاً کودکان در شروع هر کاری ذوق نشان می‌دهند مثل مشق نوشتن یا نماز خواندن، اما بعد از مدتی آن کار را انجام نمی‌دهند یا بی‌رغبت و از سر اجبار انجام می‌دهند. چه کنیم آموزه‌های دینی به اینجا کشیده نشود؟

ریشه اصلی و شوق ماندگاری رفتارها در کودک و نوجوان، امر و نهی نکردن دیگران است. به جای امر و نهی‌های بی‌حساب و کتاب، باید عطش و تشنگی را در فرزندان ایجاد کرد. اگر آنها را مجبور به خواندن نماز و انجام تکالیف شرعی در قبل از سن تکلیف کنیم، کار اشتباهی است. باید آنها را تشنه عبادت و فرایض کرد نه اجبار و تهدید که عامل تنفر و فراری‌شدن آنها از عبادات دینی است. احترام گذاشتن به اختیار بچه‌ها باعث می‌شود عطش آنها زیاد شود و با علاقه به این سمت بیایند، البته نباید رها هم بشوند ولی آسان‌گیری در دوران کودکی از ایجاد احساس تنفر جلوگیری می‌کند. باید در دوران کودکی و نوجوانی که بچه‌ها هنوز به فهم عمیق معارف دینی نرسیده‌اند، سهل و آسان گرفت تا ابتدا درک آنها عمیق شود و سپس اشتیاق و ماندگاری به وجود بیاید.

علاوه بر مواردی که فرمودید، در عدم‌رغبت کودکان به آموزه‌های دینی، چه موانعی وجود دارد؟

خداوند فطرت انسان‌ها را در مسیر هدایت و تربیت قرار داده است. بچه دوست دارد روی پای خودش بایستد. او دوست دارد خودش غذا بخورد، خودش لباس بپوشد، اما پدر و مادر اجازه نمی‌دهند، غافل از اینکه با این کار، استقلال او را خراب می‌کنند. خدا این استعداد را در فطرت انسان‌ها گذاشته است تا اهل تعقل و تفکر باشند و استقلال پیدا کنند. اگر بخواهیم رشد طبیعی و تربیت دینی را رقم بزنیم، باید به آن عمل کنیم که اصل در تربیت نیز همین است. ممکن است اطلاعات بچه‌های ما از معارف دینی زیاد باشد، اما در میدان عمل پای‌شان بلغزد یا مشتاق نباشند. این نشان می‌دهد ما نتوانسته‌ایم پایه‌های تربیت دینی و تربیت ریشه‌ای و عمیقی را در بچه‌ها ایجاد کنیم و به تربیت سطحی بسنده کرده‌ایم. دلخوشی به تربیت‌های سطحی و صرفاً در اختیار گذاشتن یکسری اطلاعات دینی، تربیت عمیق دینی ایجاد نمی‌کند. جنس تربیت عمیق، جنس نهادینه‌سازی در فرزندان است. اینکه ما اطلاعات دینی را در اختیار فرزندان‌مان قرار می‌دهیم و تا وقتی کودک هستند کارهای ما را تقلید می‌کنند، این تربیت دینی نیست و نباید ما را دلخوش کند، چراکه خیلی زود اینها از بین می‌روند و در دوران نوجوانی و جوانی با تردید و شبهات متعدد مواجه می‌شوند. آنچه اصل تربیت ریشه‌ای و بنیادی حساب می‌شود، خصلت‌هایی است که باید در فرزندان بکاریم و نهادینه کنیم تا نسبت به خودشناسی و خداشناسی و گرایش به سمت معارف دینی عطش و تشنگی پیدا کنند.

این خصلت‌ها چیست؟

نخستین ویژگی محوری، شخصیت داشتن و عدم‌تقلید کورکورانه است. با ایجاد شخصیت، او به خاطر حرف‌های دیگران و از روی جوّزدگی زندگی نمی‌کند. دومین ویژگی محوری در تربیت، تقویت قدرت تفکر و تعقل است؛ قدرتی است که باعث می‌شود بچه‌ها با فکر زندگی کنند و بدون منطق و ملاک دست به انتخاب نزنند. سومین ویژگی محوری نیز قدرت حقیقت‌جویی و آزاداندیشی است که باید در بچه‌ها نهادینه شود تا اگر روزی مسیر زندگی‌شان را اشتباه انتخاب کردند و خطا رفتند، با روحیه حقیقت‌جویی و آزاداندیشی از آن راه برگردند و در مسیر درست قرار بگیرند. یادگیری روش‌های ایجاد این خصلت‌ها باید در جلسات آموزشی دنبال شود.

پرونده
چالش‌های تربیتی کودکان

دکتر محمدصادق دهنادی، کارشناس بازی‌های رایانه‌ای و فعال رسانه‌ای:

۱۵ میلیون گیمر کودک و نوجوان ایرانی در خانه همسایه بزرگ می‌شوند!

در میان بازی‌های محبوب کودکان حتی یک بازی ایرانی وجود ندارد. در میان کودکان دو تا شش سال، گربه سخنگو، ماشین بازی و آرایشگری محبوب است. بازی آرایشگری آینده فرهنگ دختران این سرزمین را نشانه رفته است. هیچ شخصیت و چهره ایرانی در میان بازی‌های محبوب وجود ندارد. کودکان ما عملاً در خانه همسایه بزرگ می‌شوند و گویی بچه‌های ما در سرزمینی دیگر هستند

این روزها گوشی و تبلت ابزاری برای ساکت کردن بچه‌ها در فضاهای مختلف شده است؛ از خانه گرفته تا میهمانی، مجالس عزا و عروسی در حالی که اکثر والدین هم می‌دانند که بازی با گوشی و تبلت عوارضی دارد. اگر دقت کرده باشید همه شما در اطرافیان خود کودکانی را دارید که دچار اضافه وزن هستند. اضافه وزن یکی از نتایج همین به اصطلاح گوشی و تبلت‌بازی است. خروجی عصر دیجیتال جسم و روح فرزندان را درمی‌نوردد، بی‌آنکه والدین تلاش کنند سرگرمی‌های دیگری را برای فرزندان خود فراهم کنند و فضای مجازی و بازی با تلفن و تبلت را مکمل سایر سرگرمی‌ها قرار دهند.

«جوان» در گفت‌وگو با یکی از فعالان عرصه بازی‌های رایانه‌ای آمارهای جالبی را کسب کرده است؛ آماری که حکایت از این دارد فرهنگ غنی ایرانی با برخورداری از شخصیت‌ها و چهره‌های بی‌بدیل علمی، فرهنگی و تاریخی، هیچ جایگاهی در افکار کودکان ندارد و در عوض جای آن را شخصیت‌های خارجی پر کرده‌اند.

دکتر محمدصادق دهنادی می‌گوید: ماهیت سرگرمی، یک ابزار برای تفریح و از طرف دیگر ابزاری برای اجتماعی‌شدن افراد است. وقتی قرار است افراد در زندگی دیجیتالی قرار بگیرند، نمی‌توانیم با طناب‌بازی او را آماده زندگی دیجیتالی و تکنولوژی اجتماعی کنیم. در واقع کودکان در داخل بازی‌ها ایفای نقش‌های جدی را یاد خواهند گرفت. هیچ تردید نیست فردی که می‌خواهد شهروند زندگی دیجیتال شود، سرگرمی مرتبط با همان عصر را انتخاب می‌کند. افزون بر این، مثل سایر نیازها، سرگرمی دیجیتال هم ضروری است، اما اصل موضوع بر سر چگونگی استفاده است.

وی توضیح می‌دهد: بسیاری از خانواده‌ها در تغذیه فرزندان خود به او چیپس و پفک می‌دهند. سرگرمی دیجیتال هم به همین نحو است. در واقع انتخاب بازی و مقدار و ابزار بازی از اهمیت برخوردار است. از آنجا که خانواده‌ها آموزش‌های لازم را نمی‌بینند، از بازی‌ها هم به نحو احسن استفاده نمی‌کنند، در نتیجه عدم‌رعایت مقدار و نوع بازی موجب آسیب رساندن به جسم و روح می‌شود.

به اعتقاد وی، بازی دیجیتال محل مناقشه و ذاتاً دارای ایراد نیست اما جایگاه آن در هندسه خانواده باید مشخص شود که این مقدار هم در بعد کیفی و هم در کیفی مؤثر است.

این فعال عرصه رسانه و بازی‌های رایانه‌ای می‌گوید: طبق آخرین آمار ۱۴۰۱، ۳۴میلیون گیمر در کشور داریم که از این تعداد ۹درصد مربوط به خردسالان دو تا شش سال، ۷درصد مربوط به کودکان هفت تا ۱۱ سال و ۱۹درصد نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال است. در واقع بازی صرفاً مختص کودکان نیست و بازه این بازی به سنین بالاتر رسیده است اما همین آمار می‌گوید حدود ۴۵درصد گیمرها کودک و نوجوان هستند که به صورت تقریبی حدود ۱۵میلیون نفر می‌شوند، یعنی باید بگوییم ما ۱۵میلیون مخاطبی داریم که نیازمند بازی‌های متناسب با سن خود و فرهنگ کشور ما هستند. خردسالان روزانه ۸۰دقیقه و کودکان ۹۰دقیقه با تلفن همراه بازی می‌کنند.

دهنادی نتیجه حاصل از آمارها را در حوزه شخصیت‌های محبوب نیز ارزیابی می‌کند و می‌گوید: طبق همین آخرین پیمایش در میان بازی‌های محبوب کودکان حتی یک بازی ایرانی وجود ندارد. در میان کودکان دو تا شش سال، گربه سخنگو، ماشین بازی و آرایشگری محبوب است. بازی آرایشگری آینده فرهنگ دختران این سرزمین را نشانه رفته است. محبوب‌ترین شخصیت‌ها نیز در میان بازی‌ها گربه سخنگو، مرد عنکبوتی و دختر کفشدوزکی و السا و آنا و بنتن است. این آمار می‌گوید که هیچ شخصیت و چهره ایرانی در میان آنها وجود ندارد.

به اعتقاد وی کودکان امروز ما عملاً در خانه همسایه بزرگ می‌شوند و گویی بچه‌های ما در سرزمین دیگر هستند که با چهره‌ها و شخصیت‌های دیگر مردم دنیا آشنا می‌شوند. این تعداد چندین برابر استفاده‌کنندگان سینما، تئاتر و موسیقی هستند و حتی گیمرها در بخش بازی‌های رایانه‌ای بیشترین آمار، اما کمترین بودجه را دارند.

دهنادی به «جوان» می‌گوید: بچه‌های ما جای دیگر بزرگ می‌شوند و بودجه‌ها در جای دیگری به مصرف می‌رسد و افزون بر این اختصاص بودجه متناسب نیست و به نهادهایی داده می‌شود که صلاحیت اختصاص چنین بودجه‌ای را ندارند. در دنیا همگام با سینما و تلویزیون از محبوبیت شخصیت کارتونی برای تولید بازی پرطرفدار انتخاب می‌کنند، مثل همین شخصیت بن‌تن و السا و آنا که عملاً بازی‌های باکیفیت نیستند اما کاربردی هستند، اما چرا صدا و سیما شخصیت‌های محبوب را در اختیار سازندگان بازی‌ها قرار نمی‌دهد تا از طریق همان بازی‌ها شخصیت‌های معروف ایرانی در ذهن کودکان ایرانی ثبت شود.

دهنادی معتقد است برند کلاه قرمزی از جمله موارد پرطرفدار در دوره خود بود که می‌توانست دستمایه صنعت شود و باید چنین مواردی باز هم تکرار شود و نهادهای فرهنگی چنین تکلیفی را بر دوش خود بدانند.

وی به ابعاد اقتصادی موضوع هم اشاره کوتاه و خاطر نشان می‌کند: ما سال‌هاست همه کارهای فرهنگی خود را بدون استثنا به بودجه نفتی ربط دادیم. برای تولیدکننده شرایطی فراهم نشده که در آمدزایی مجزا داشته باشد و برای خود کسب درآمد کند. ما با انبوهی از تولیداتی مواجه هستیم که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند اما بی‌کیفیت عرضه می‌شوند و کمتر کسی سراغ آن می‌رود. باید برای رسیدن به محتوای بومی جلوی نهادهایی که تولید را معطوف به خود می‌کنند، بگیریم و جای آن را به نهادهایی بدهیم که توان بازارسازی دارند.

حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ، کارشناس مذهبی و سبک زندگی:

امنیت و آرامش بهترین هدیه‌ای است که به کودکان خود می‌دهیم

پدر و مادر دو نیمه از یک میوه‌ای هستند که در مقابل فرزند و در معرض افکار و رفتار او قرار می‌گیرد، از این رو اگر بین آنها مهربانی، عطوفت و احترام به یکدیگر وجود داشته باشد، این اتفاق باعث ایجاد آرامش بین نقش‌آفرینان تربیت فرزند و همزمان باعث آرامش فرزند خواهد شد

مادر نامی مقدس و رمزی الهی برای ورود انسان‌هایی بزرگ به عرصه زندگی است. از این دامان پاک و مهربانانه است که در صورت تربیت صحیح انسان‌هایی متعالی رشد می‌کنند. در این نوشتار به پنج روش و آموزه لازم برای پرورش و تربیت دینی فرزندان اشاره می‌کنم.

❊❊❊

اخلاص و توجه به خدا در تربیت

۱ یکی از مهم‌ترین و بلکه ریشه‌ای‌ترین تکنیک و روشی که می‌تواند راه را برای تربیت فرزند هموار کند، توجه ویژه پدر و مادر به خدا و اخلاص در تربیت است. اما چرا برای خدا تربیت کنیم؟ زیرا اگر برای خدا باشد، برای خدا می‌ماند. متأسفانه بعضی والدین برای تربیت کودکان خود به دنبال این هستند که فرزندان خود را با انواع هدایتگری‌ها و تربیت‌های سلیقه‌ای به رخ دیگران بکشند و این طفل معصوم را ابزاری برای خودنمایی قرار دهند. آنها در واقع ناخواسته فرزند را طعمه‌ای برای مطرح کردن خود می‌کنند، در حالی که اگر با دقت به علت رفتار خود توجه کنند، به این مطلب پی خواهند برد که هر چه انسان برای غیر خدا تلاش کند، روزبه‌روز نگران این است که مبادا نوع تربیت، من و فرزندم را از چشم دیگران بیندازد و این امر فرزند را نیز ناخالص کرده و فرزند نیز برای اینکه نظر پدر و مادر را بیشتر جلب کند، به دنبال خودنمایی و رفتارهایی خواهد رفت که باعث تمجید او شود. اگر برای خدا و به خاطر خدا برای تربیت فرزند قدمی برداریم، بی‌شک فرزندمان نیز از ریا و خودنمایی رها و از همان کودکی باعث محبت مردم به او می‌شود. فطرهای پاک و الهی اگر در مسیر صحیح خود قرار گرفت، مثل عطری است که با قراردادن آن در یک محیط شامه انسان‌های الهی را معطر و باعث محبت و توجه می‌شود. امام سجاد(ع) برای توجه والدین به تربیت الهی و خالصانه در مورد حق فرزند بر پدر و مادر می‌فرماید: «وَالدَّلالَه عَلَی رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ تو باید راهنمای فرزندت به سوی خدای متعال باشی.» از اینکه امام سجاد(ع) از بین تمامی اسمای الهی کلمه رب را انتخاب می‌کند، در واقع می‌خواهد بگوید باید مربی واقعی فرزندت را خدا قرار دهی، یعنی دست او را در دست خدا بگذاری و این فقط با اخلاص در تربیت محقق می‌شود.

ارتباط شایسته پدر و مادر با یکدیگر برای تربیت کودک

۲ پدر و مادر دو نیمه از یک میوه‌ای هستند که در مقابل فرزند و در معرض افکار و رفتار او قرار می‌گیرد، از این رو اگر بین آنها مهربانی، عطوفت و احترام به یکدیگر وجود داشته باشد، این اتفاق باعث ایجاد آرامش بین نقش‌آفرینان تربیت فرزند و همزمان باعث آرامش فرزند خواهد شد؛ فرزندی که از همان کودکی محبت و تنفر را درک و لمس می‌کند. او تشنه احترام و متنفر از کینه و بدلی و نگرانی است. متأسفانه یکی از عوامل مهمی که فرزندان مخصوصاً کودکان را در دوران کلیدی تربیت از احساس آرامش بی‌بهره می‌کند، همین اختلافات و ضعف ارتباط عاطفی بین زن و شوهر و به تعبیری پدر و مادر است. پدران و مادران بدانند اگر محیط پاک تربیت را در معرض اختلافات و بددلی و مشاجره خود قرار دهند، بی‌شک این امر باعث نگرانی و بی‌اعتمادی فرزند خواهد شد و چه تبهکارانی که بعد از گرفتار شدن در دام عدالت علت اصلی این بزهکاری‌ها را طلاق یا اختلافات و مشاجرات پدر و مادر در دوران کودکی می‌دانند. پس پدر و مادر باید مواظب نعمت و رحمتی که خدای متعال بعد از ازدواج برای آنان قرار داده است، باشند.

فضای آرام در محیط منزل

۳ یکی از مواردی که در تربیت کودک تأثیر قابل توجهی دارد، محیط رشد فرزند است. بی‌شک گلدانی که قرار است این گل زیبا در آن قرار گیرد، باید مناسب باشد. اولین محیطی که فرزند تجربه می‌کند، دوران بارداری و همراهی او با مادر است و برای اینکه فرزند در این محیط از تربیت مادر و پدر محروم نشود، سفارشات دین اسلام برای دوران بارداری را باید سرلوحه زندگی قرار دهند. پدر باید در دوران بارداری همسر از هر گونه رفتاری که باعث رنجش او شود، خودداری و مادر نیز از هر گونه کاری که باعث اثرگذاری منفی در این دوران است، دوری کند. همچنین پدر و مادر باید در محیط منزل مواظب رفتارهای خود باشند تا این محیط برای فرزند آرامبخش باشد. آنان باید به جای مشاجره و کشاندن انواع گناهان به محیط پاک منزل به شدت به دنبال ایجاد فضای معنوی شاد و محبت‌آمیز از طریق ابراز محبت، دوستی و همکاری در درون منزل باشند. امنیت و آرامش بهترین هدیه‌ای است که ما به کودکان خود می‌دهیم.

فضای تکریم، تشویق و تجلیل در مقابل تحقیر، تبعیض و تضعیف

۴ پدر و مادر باید فضای تربیت کودک را تحت تأثیر رفتارهای تحقیرآمیز و تضعیف و تبعیض‌گونه قرار ندهند. گاهی اوقات برای اینکه فرزندان را به یک کار شایسته و صحیح هدایت و راهنمایی کنیم، به جای نشان دادن الگوی شایسته و تشویق و تکریم آنان یا او را به خاطر رفتار کودکانه تحقیر یا تضعیف کرده یا فرزندان دیگران را تضعیف و تحقیر می‌کنیم تا مثلاً فرزند ما رشد پیدا کند، در حالی که اگر برای رشد معنوی فرزندمان خود فرزندان دیگران را در مقابل فرزند خود قرار دهیم و مقایسه‌ای غیرمنصفانه داشته باشیم، یقیناً جلوی رشد او را می‌گیریم و بذر بدبینی و کینه از خود و دیگران را در وجود فرزندمان می‌کاریم و روحیه خودبرتربینی را در فرزندمان ایجاد می‌کنیم.

اخلاقمداری در تربیت کودک

۵ یکی از عواملی که در تربیت صحیح فرزند تأثیر بسزایی دارد، توجه به رعایت اخلاق و مسائل اخلاقی مثل عمل به وعده، صداقت در گفتار، صبر و بردباری و اقسام دیگر صفات اخلاقی است. به طور مثال اگر انسان تمام امکانات مادی و همه شرایط یک زندگی مادی را برای فرزند فراهم کند ولی نسبت به رعایت وعده‌هایی که به فرزندان در کودکی و نوجوانی می‌دهد، بی‌تفاوت باشد، بسیار آسیب‌زاست، چراکه کودکان تمام رفتارها و گفتارهای پدر و مادر را مثل یک حرف جدی که به زودی اتفاق خواهد افتاد، در ذهن خود نگه می‌دارند و اگر این وعده‌ها عملی نشود، فرزندان نسبت به پدر و مادر بی‌اعتماد خواهند شد، از این رو است که رسول خدا(ص) فرمود: کودکان خود را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید، وقتی به آنها وعده‌ای می‌دهید، حتماً وفا کنید، زیرا کودکان، شما را رازق خود می‌پندارند.

در مثالی دیگر اگر فرزندی در رفتار پدر و مادر در کودکی تبعیضی را نسبت به خود و دیگر کودکان و فرزندان ببیند، نسبت به پدر و مادر بدبین می‌شود و به جایگاه تربیتی فرزند ضربه خواهد خورد. پدری با دو فرزند خود شرفیاب محضر رسول اکرم(ص) بود. یکی از فرزندان خود را بوسید و به فرزند دیگر اعتنایی نکرد. پیغمبر(ص) که این رفتار را مشاهده کرد، به او فرمود: چرا با فرزندانت به طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟ اگر این رفتار، رفتار خوبی بود، یقیناً پیامبر(ص) به این شخص تذکر نمی‌داد. این تبعیض باعث خدشه‌دار کردن روحیه فرزند دیگر می‌شود، بنابراین پیامبر(ص) او را از این کار نهی کرد.